

Wort des Tages لغت روز siezen, duzen, obwohl

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 24, 2017

siezen یک فعل می باشد

شما خطاب کردن ، کسی را شما خطاب کردن

گذشته ساده : siezten

گذشته کامل : haben gesiezt

Wir siezen uns

ما یکدیگر را با شما مورد خطاب قرار میدهیم.

یعنی به هم تو نمی گوییم

Ein junger Deutscher fragte einmal seinen Norwegischlehrer, ob er überhaupt jemanden siezen müsse

یکبار یک جوان آلمانی از معلم نروژی اش می پرسید ، که آیا او در واقع باید کسی را با ضمیر شما مورد خطاب قرار بدهد!

Obwohl er schon vor langer Zeit das „Du“ angeboten bekam, konnte er es sich nicht abgewöhnen, seinen Chef zu siezen

اگر چه او خیلی پیش از اینها با تو خطاب کردن را به عنوان پیشنهاد دریافت کرده بود ، اما او نمی توانست ترک عادت کند (و رئیس اش را شما خطاب نکند.

.

obwohl

اگرچه ، گرچه ، هرچند ، با وجود آنکه

Obwohl er mir nicht bedeutet...

با وجود اینکه آن برای من هیچ اهمیت و ارزشی ندارد ...

Das Fenster war wieder zu, obwohl ich es geöffnet hatte

آن پنجره دوباره بسته بود ، گر چه من آنرا باز کرده بودم

Ich mag Fußball, obwohl ich oft unterwegs bin

بازی فوتبال را دوست دارم ، اگر چه من اغلب در مسافرت (راه) هستم

Sie hassten einander, obwohl sie Brüder waren
با وجود آنکه آنها برادر بودند، از یکدیگر نفرت داشتند.

duzen یک فعل می باشد

کسی را با لفظ تو خطاب کردن و به او (تو) گفتن

گذشته ساده : duzten

گذشته کامل : haben geduzt

Seit wann duzen Schüler ihre Lehrer?
از کی تا حالا دانش آموزان معلم خودشان را با تو مورد خطاب قرار میدهند؟

توجه داشته باشید که در کشور آلمان ، معمولا کلاس اولی ها معلم خودشان را با (تو) مورد خطاب قرار میدهند ، اما در کلاس های بالاتر می بایستی حتما معلم خودشان را با (شما) مورد خطاب قرار بدهند ، البته همیشه معلم های مهربانی هم وجود دارند که خودشان این اجازه را به بچه ها میدهند که به او (تو) بگویند.

Sie können mich ruhig duzen

شما می توانید با آسوده خاطر منرا تو خطاب کنید.

Alfred duzte sich schnell mit allen

الفرد سریع با همه خودمونی میشد.

به طوری که آنها را (تو) خطاب میکرد.

Er duzt alle seine Leute

او همه ی آدم های رو که می شناخت با ضمیر تو مورد خطاب قرار میداد.

Ich bin Morteza, sagt er. der Morteza will, dass man ihn duzt. ,Wir duzen uns alle

او میگه : من مرتضی هستم ، مرتضی میخواهد که آدم او را با تو مورد خطاب قرار بدهد. ما اینجا همگی یکدیگر را با ضمیر تو مورد خطاب قرار میدهیم.